

نقش رویکرد حقوق بشر محور در تسهیل دادخواهی تغییر اقلیم بعد از موافقت‌نامه پاریس

* اعظم امینی

** الناز نساری

*** احسان دریادل

DOI: 10.22096/HR.2023.561118.1498

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲]

چکیده

موضوع تغییر اقلیم و پیامدهای مخرب آن امروزه یکی از ابرچالش‌های جهانی تلقی می‌شود. برای مقابله با آن اقدامات مختلفی در دست اجراست. یکی از مسائل کلیدی در این روند، امکان دادخواهی علیه موارد سوء عملکرد یا ترک فعل‌های مخرب دولت‌ها یا سایر بازیگران در عرصه جهانی است. فعالان مختلف با تقویت پیوندهای حقوقی پیامدهای تغییر اقلیم با حقوق بشر در تلاش هستند ظرفیت‌های قضایی یا شبه‌قضایی ملی یا بین‌المللی برای رسیدگی به موارد دادخواهی تغییر اقلیم را ارتقا بخشند. اینکه در روند تلاش‌های مزبور، از حیث نظری چگونه پیوندهای تغییر اقلیم با حقوق بشر توجیه می‌شود، از چه سازوکارهایی برای دادخواهی بهره می‌برند و رویه سازوکارهای قضایی یا شبه‌قضایی مختلف در این زمینه با چه ویژگی‌هایی همراه بوده و چگونه موانع فنی فراروی دادخواهی را مرتفع ساخته و نهایتاً چشم‌اندازهای آتی در این زمینه را چگونه می‌توان ارزیابی کرد، محورهای اصلی پژوهش حاضر هستند که با روش توصیفی تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای و مطالعه اسناد مختلف از جمله رویه‌های قضایی و شبه‌قضایی ذی‌ربط و با استقرای داده‌های متنوع برای استنتاج نتایج کلی و قابل تعمیم انجام پذیرفته است. دستاورد پژوهش بر ظرفیت بالای رویکرد حقوق بشر محور، در رابطه با دادخواهی از مسببان تغییر اقلیم تأکید دارد.

واژگان کلیدی: تغییر اقلیم؛ دادخواهی؛ حقوق بشر؛ رویه قضایی؛ رسیدگی‌های شبه قضایی؛ مسئولیت.

* استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: amini.az@um.ac.ir

** دکترای تخصصی حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email: e.nasari@ferdowsi.um.ac.ir

*** کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

Email: ehsandaryadel2020@gmail.com



مقدمه

تغییر اقلیم یک زنجیره به هم پیوسته است که از فعالیت‌های توسعه‌ای به ویژه مصرف سوخت‌های فسیلی آغاز می‌شود و پیامدهای متعددی را به دنبال دارد؛ اما میزان تولید گازهای گلخانه‌ای، کنترل آن و در نهایت پدیده‌های ناشی از آن، مانند گرم شدن زمین، زیر آب رفتن سکونتگاه‌ها، طوفان‌ها، سیل‌ها و خشکسالی‌ها بیشتر مدنظر بوده است؛^۱ این در حالی است که این پدیده‌ها آوارگی، مهاجرت‌های گسترده، بی‌تابیتی، بیکاری، فقر و ناامنی را به دنبال دارند.^۲ تغییر اقلیم زندگی صدها میلیون انسان را دستخوش تغییر کرده است، بدون آنکه بدانند قربانی تغییر اقلیم هستند.^۳

برای مقابله با تغییر اقلیم و آثار منفی آن اقدامات مختلفی مطرح یا در دست اجراست.^۴ یکی از مسائل کلیدی در این روند، امکان دادخواهی علیه سوء عملکرد یا ترک فعل‌های مخرب دولت‌ها یا سایر بازیگران است؛ اما دادخواهی بر اساس رویکردهای سنتی شناخته شده در حقوق داخلی یا حقوق بین‌الملل متناسب با نیازها نیست و با موانع و چالش‌هایی روبه‌روست.

پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این پرسش‌هاست:

یک: پیوند میان حقوق بشر و تغییر اقلیم در نظر و عمل چگونه توجیه می‌شود و رویکرد حقوق بشر محور چگونه می‌تواند در تقویت دادخواهی‌های تغییر اقلیم مفید باشد؟ دو: با توجه به چالش‌های پیش روی دادخواهی‌های تغییر اقلیم بر مبنای حقوق بشر، چگونه می‌توان مسائلی چون صلاحیت و اثبات مسئولیت را حل کرد؟ در گذشته پژوهش‌های پراکنده‌ای در زمینه دادخواهی در تغییر اقلیم انجام شده است^۵

1. IPCC, "Climate Change 2013: The Physical Science Basis," Contribution of Working Group I to the Fifth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change 1535 (2013).

۲. سارا سمیعی، «تحلیلی بر تغییرات اقلیمی در کره زمین و بحران‌های منابع طبیعی و تنوع زیستی جهان»، چهارمین کنفرانس بین‌المللی بیولوژی و علوم زمین (همدان: ۱۴۰۰): ۲.

۳. بهنوش خوش‌منش، سید عباس پورهایمی، محمد سلطانی، و داوود هرمیداس باوند، «بررسی پیامدهای تغییر اقلیم از دیدگاه حقوق بشر»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست ۱۷، شماره ۴ (دی ۱۳۹۴): ۲۲۵.

۴. ایجاد ترتیبات مالی جدید و نیز یک صندوق اختصاصی جهت کمک به کشورهای در حال توسعه در راستای واکنش به «زیان و خسارت» در اجلاس شرم‌الشیخ (COP 27) از جمله این اقدامات است. زیان و خسارت به تأثیرات مخرب ناشی از تغییر اقلیم اشاره می‌کند که بشر از راه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای قادر به اجتناب از آنها و نیز انطباق با آنها نیست.

5. Jacqueline Peel and Hari Osofsky, "Climate Change Litigation", *Annual Review of Law and Social Science* 16, no. 1 (2020): 21-38; Jacqueline Peel and Hari Osofsky, "A Rights Turn in Climate Change Litigation?," *Transnational Environmental Law* 7, no. 1 (2018): 37-67.

نقش رویکرد حقوق بشر محور در تسهیل دادخواهی تغییر اقلیم... / امینی، نساری و دریادل ۲۵۳

و برخی موضوع تغییر اقلیم را از زاویه حقوق بشر بررسی کرده‌اند؛^۶ اما پژوهش حاضر مطالعه‌ای جامع و مستند به جدیدترین رویه‌های قضایی است تا ارتباط بین تغییر اقلیم و حقوق بشر را تبیین، رویه‌های حقوق بشری در جهت تقویت دادخواهی تغییر اقلیم را بررسی و در انتها و به‌منزله نقطه عطف پژوهش، چالش‌های «دادخواهی بر مبنای حقوق بشر» (Human Rights Based Approach (HRBA) Litigation) را ارزیابی و ارائه نماید. عبارت «دادخواهی» در این پژوهش، رسیدگی در نهادهای قضایی و شبه‌قضایی را دربرمی‌گیرد.

۱- ارتباط بین حقوق بشر و تغییر اقلیم

موافقت‌نامه پاریس تأکید دارد که تغییر اقلیم می‌تواند حق‌های بشری متعددی را تحت تأثیر قرار دهد. «حق حیات»، «حق سلامت»، «حق بر اموال»، «حق بر محیط‌زیست سالم»، «حق بهره‌مندی از فرهنگ»، «حق مردم بومی، جوامع محلی، مهاجران، کودکان، افراد دارای معلولیت و در موقعیت‌های آسیب‌پذیر» و «حق توسعه» به علاوه، تساوی جنسیتی، اقتدار زنان و انصاف بین‌نسلی از جمله این حقوق هستند.

در اکتبر سال ۲۰۲۱، شورای حقوق بشر تأیید کرد که داشتن محیط‌زیست سالم، پایدار و تمیز یک حق بشری است. در قطعنامه ۴۸/۱۳، شورا دولت‌ها را به همکاری با یکدیگر و سایر نهادها به منظور اجرای این حق تازه شناخته‌شده، فراخواند.^۷ شورا همچنین طی قطعنامه دیگری، گزارشگر ویژه‌ای را جهت ارتقا و حمایت از حقوق بشر در زمینه تغییر اقلیم تعیین کرد.^۸ در جولای ۲۰۲۲، قطعنامه‌ای بر اساس متن قبلاً تصویب‌شده شورای حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل صادر شد که از دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های تجاری می‌خواهد تا تلاش‌هایشان را برای تضمین محیط‌زیستی سالم برای همه افزایش دهند.

6. Keina Yoshida and Joana Setzer, "The Trends and Challenges of Climate Change Litigation and Human Rights," *European Human Rights Law Review* 2020, no. 2 (2020): 140-152; Gery Liston, "Enhancing The Efficacy of Climate Change Litigation: How to Resolve The 'Fair Share Question' In The Context of International Human Rights Law," *Cambridge International Law Journal* 9, no. 2 (2020): 241-263.

7. John Knox, "Framework Principles on Human Rights and the Environment," UN Human Rights Special Procedures: Special Rapporteur, Independent Experts & Working Groups (Geneva, 2018): 12.

8. Human Rights Council, "Resolution 48/14: Mandate of the Special Rapporteur on the promotion and protection of human rights in the context of climate change," UN Doc. A/HRC/48/L.27* (4 Oct. 2021): 3.

این قطعنامه اثرات تغییر اقلیم را مورد شناسایی قرار می‌دهد و اینکه خسارت به محیط‌زیست پیامدهای منفی مستقیم و غیرمستقیمی بر بهره‌مندی مؤثر از تمامی حقوق بشر دارد.^۹ در شورای حقوق بشر سازوکارهای متعدد از جمله گزارشگر مستقل حقوق بشر و همبستگی بین‌المللی (Obiora Chinedu Okafor)، گزارشگر حق بر آب، گزارشگر محیط‌زیست، گزارشگر حق بر غذا به بررسی موضوع تغییر اقلیم و حقوق بشر پرداخته‌اند. دفتر کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد (United Nations Office of the High Commissioner for Human Rights (UNOHCHR)) نیز به اهمیت شناسایی تعهدات دولت‌ها درباره حقوق بشر که قربانیان تغییر اقلیم را مستحق دریافت غرامت می‌سازد اشاره کرده است.^{۱۰}

وفق رویکردهای پیش‌گفته و نیز منطبق با بند ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون وین حقوق معاهدات (۱۹۶۹) که مقرر می‌دارد: «معاهده می‌بایست در چهارچوب «قواعد مرتبط حقوق بین‌الملل قابل اعمال بر روابط طرفین»، تفسیر شود؛ از آنجایی که دولت‌ها تعهد بر حمایت، احترام و ایفای حقوق بشر دارند و نیز تغییر اقلیم آثار قابل توجه مستقیم و غیرمستقیم بر حقوق بشر دارد، قواعد تغییر اقلیم باید در چهارچوب حقوق بشر تفسیر شوند.^{۱۱}

رابطه بین حقوق بشر و تغییر اقلیم در یک دهه گذشته، توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است، اما طرح دعوی حق‌محور در دادگاه‌ها مسئله کاملاً نوینی است که اخیراً پا به عرصه وجود گذشته است. از آنجایی که پیرو اسناد و رویه‌های متعدد «رویکرد حقوق بشرمحور» (Human Rights Based Approach (HRBA)) در جامعه بین‌المللی جایگاه قابل توجهی پیدا کرده به نظر می‌توان قابلیت‌های ایجادشده در مباحث حقوق بشری را به منظور تقویت دادخواهی تغییر اقلیم بر اساس نقض حقوق مورد بهره‌برداری قرار داد.

۲- امکان‌سنجی دادخواهی‌های تغییر اقلیم در پرتو سازوکارهای حقوق بشر

رویکرد حقوق بشری برای دادخواهی‌های تغییر اقلیم می‌تواند به برخی چالش‌های فنی جهت طرح دعوی پاسخ دهد. اگرچه تا این تاریخ دعوایی با موضوع تغییر اقلیم نزد دیوان بین‌المللی

9. Ke Tang and Otto Spijkers, "The Human Right to a Clean, Healthy and Sustainable Environment," *Chinese Journal of Environmental Law* 6, no. 1 (2022): 89.

10. UNOHCHR, "Report on the Relationship between Climate Change and Human Rights," A/74/161, (2019): 18.

11. Andrew Strauss, "Climate Change Litigation: Opening the Door to the International Court of Justice," in *Adjudicating Climate Change*, Chapter 15 (Cambridge University Press, 2009): 334.

نقش رویکرد حقوق بشر محور در تسهیل دادخواهی تغییر اقلیم... / امینی، نساری و دریادل ۲۵۵

دادگستری مطرح نشده است؛ با این حال، سازوکارهای قضایی و شبه قضایی منطقه‌ای و جهانی با افزایش این دعاوی مواجه هستند.^{۱۲}

در دادخواهی‌های مبتنی بر حقوق بشر، خواهان می‌تواند شکایت خود را نزد محاکم قضایی منطقه‌ای حقوق بشر (مانند دادگاه اروپایی حقوق بشر یا دادگاه آمریکایی حقوق بشر) یا نهادهای شبه قضایی (مانند کمیته حقوق بشر ملل متحد، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمیته حقوق کودک و سایر سازوکارها) مطرح کند.

۲-۱- مراجع بین‌المللی

به‌طور کلی، نهادهای شبه قضایی دادگاه نیستند، اما به شکایات فردی رسیدگی می‌کنند و می‌توانند حقوق را تفسیر کنند. در سال ۲۰۱۹، گروهی از کودکان از کشورهای مختلف شکایتی را در کمیته حقوق کودک مطرح کردند که طبق ادعای آنان فرانسه، آلمان، آرژانتین، برزیل و ترکیه^{۱۳} با عدم اقدام مناسب و برخی ترک فعل‌های دیگر، نتوانسته بودند از پیامدهای تغییر اقلیم جلوگیری به عمل آورده و آثار را کاهش دهند و در نتیجه حق حیات، سلامت و فرهنگ کودکان را پایمال نموده‌اند.^{۱۴}

در این پرونده کمیته یادآور می‌شود در صورت وجود رابطه سببیت بین عملی که از سرزمین آن دولت نشئت گرفته و نقض حقوق بشر افراد خارج از قلمرو آن دولت، اشخاصی که حقوقشان نقض شده تحت صلاحیت دولت منشأ در نظر گرفته می‌شوند. اعمال صلاحیت زمانی رخ می‌دهد که دولت منشأ کنترل مؤثر بر فعالیت‌های باعث زیان و نقض حقوق بشر ناشی از آن زیان داشته باشد و در موقعیتی است که می‌تواند آن فعالیت‌های موجب زیان فرامرزی را متوقف کند و مانع از عدم بهره‌مندی افراد خارج از قلمروش از حقوق بشر شود. بر این اساس، می‌توان چنین نتیجه گرفت که تعهد به عدم ورود زیان یا خسارت فرامرزی زیست‌محیطی تعهد به رسمیت شناخته شده حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است که طبق آن، می‌توان دولت‌ها را برای هرگونه خسارت قابل توجه (Significant Harm) علیه افراد خارج از

۱۲. مرکز سابین برای حقوق تغییر اقلیم Sabin Center for Climate Change Law حدود ۱۵۰۰ پرونده را در حوزه دادخواهی تغییر اقلیم شناسایی کرده است که حدود ۷۵ درصد از این تعداد در ایالات متحده آمریکا مطرح شده‌اند؛ استرالیا، اتحادیه اروپا و انگلستان نیز میزان قابل توجهی از این تعداد را به خود اختصاص داده‌اند.

۱۳. دولت ترکیه پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک را در سال ۲۰۱۸ پذیرفته است.

14. Committee on the Rights of the Child, "Decision adopted by the Committee on the Rights of the Child under the Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on a communications procedure in respect of Communication No. 108/2019," (2019): Paras 1.1 & 2.

مرزها به واسطه فعالیت‌های واقع در سرزمین یا تحت کنترل یا اقتدار مؤثر مسئول شناخت.^{۱۵} کمیته چنین اظهار می‌کند «درحالی‌که عنصر مورد نیاز اثبات مسئولیت دولت تا حدودی مسئله‌ای ماهوی است، اما زیان وارده به قربانیان بایستی در زمان انجام فعل یا ترک فعل به‌طور متعارف قابل پیش‌بینی بوده باشد حتی اگر بخواهیم صلاحیت را اثبات کنیم (بند ۹،۷)». کمیته هم‌چنین بیان می‌دارد که «در کل شواهد علمی این مسئله را پذیرفته که انتشار کربن موجب تشدید تغییر اقلیم شده و اثر مخرب بر بهره‌مندی از حقوق افراد واقع در سرزمین خود و خارج از قلمرو دارد (بند ۹،۹)؛ هم‌چنین طبق اصل مسئولیت مشترک، اما متفاوت که در موافقت‌نامه پاریس آمده ماهیت جمعی رابطه سببیت ناشی از تغییر اقلیم، {کشور} را از مسئولیت فردی خود برای ورود زیان به {افراد} به سبب انتشار گازهای گلخانه‌ای واقع در سرزمینش مبرا نمی‌کند و اینکه {افراد} در کجا ساکن بوده‌اند، در اینجا اهمیتی ندارد (بند ۸،۹).

هم‌چنین در ژانویه ۲۰۲۰، کمیته حقوق بشر سازمان ملل پرونده ایوآن تی تیوتا (Ioane Teitiota) را مورد بررسی قرار داد. وی به شکل ناموفق خواهستار حمایت نیوزیلند به سبب بالا آمدن سطح آب دریا بود که زندگی وی را در جمهوری کرییاتی تهدید می‌کرد. کمیته دعوی خواهان را رد کرد؛ چراکه جدول زمانی احتمالی برای بالا آمدن سطح آب دریا که سبب غیرقابل سکونت شدن کرییاتی می‌شود، ۱۰ تا ۱۵ سال آینده است و در نتیجه اتباع آن متوجه خطر فوری نیستند. این جدول زمانی به کرییاتی اجازه داده تا اقدامات مثبتی را برای حفاظت و در صورت لزوم، جابه‌جایی جمعیتش اتخاذ کند. البته، کمیته حق دادخواهی پناهندگان را بر مبنای تغییر اقلیم مورد شناسایی قرارداد و تأکید کرد که بازگرداندن افراد وقتی که حیاتشان به سبب خطرات اقلیمی در کشورشان در خطر است، از سوی حکومت‌ها غیرقانونی است.

در می ۲۰۱۹، گروهی از ساکنین جزیره تنگه تورس شکایتی را علیه استرالیا نزد کمیته حقوق بشر سازمان ملل به سبب نقض تعهدات حقوق بشری طرح کردند. چنین استدلال شده است که عدم اتخاذ اقدام کافی برای مقابله با انتشار و اجرای اقدامات انطباقی توسط استرالیا سبب نقض حق بر فرهنگ، زندگی خانوادگی و حیات شده است.^{۱۶} این

15. Committee on the Rights of the Child (2019): Para 9.5.

16. Matthew Rimmer, "The Torres Strait Eight: Climate Litigation, Biodiversity, Human Rights, and Indigenous Intellectual Property," in *Access and Benefit Sharing of Genetic Resources, Information and Traditional Knowledge*, eds. Charles Lawson, Michelle Rourke, and Frances Humphries (Abingdon (Oxon) and New York, 2022): 262-263.

نقش رویکرد حقوق بشر محور در تسهیل دادخواهی تغییر اقلیم... / امینی، نساری و دریادل ۲۵۷

شکایت همچنان توسط کمیته در دست بررسی است و نخستین پرونده تغییر اقلیم توسط جزایر کم ارتفاع در رابطه با نقض تعهدات حقوق بشری در زمینه تغییر اقلیم خواهد بود.

۲-۲- مراجع منطقه‌ای

دادگاه اروپایی حقوق بشر و دادگاه آمریکایی حقوق بشر دو نهاد برجسته منطقه‌ای هستند. قضایای زیست‌محیطی مرتبط با تغییر اقلیم نزد این محاکم مطرح شده است. این محاکم در حوزه آسیب‌های فرامرزی و صلاحیت فراسرزمینی در موارد نقض حقوق بشر، نقش قابل توجهی ایفا کرده‌اند.

۲-۲-۱- دادگاه اروپایی حقوق بشر

در سپتامبر ۲۰۲۱، نخستین پرونده تغییر اقلیم نزد دادگاه اروپایی مطرح شد. شش کودک و جوان پرتغالی دادخواستی را علیه ۳۱ دولت طرف کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مطرح کردند.^{۱۷} آنها استدلال نمودند که قربانی تغییر اقلیم هستند که منجر به نقض ماده ۲ (حق حیات)، ماده ۸ (حق زندگی خصوصی) و ماده ۱۴ (منع تبعیض) کنوانسیون شده است. این پرونده از جمله مواردی است که هنوز نزد دیوان اروپایی در حال رسیدگی است و باید دید دیوان چگونه در رابطه با مسئله صلاحیت ابراز نظر خواهد کرد. دلیل اهمیت آن نیز به سبب ماهیت فرامرزی این دعوا است.^{۱۸}

در سال ۲۰۱۶، پرونده‌ای تحت عنوان انجمن صلح سبز نوردیک علیه وزارت نفت و انرژی نروژ^{۱۹} در دادگاه بخش اسلو توسط چند سازمان محیط‌زیستی و شش فعال زیست‌محیطی جوان علیه دولت نروژ طرح شد، مبنی بر اینکه مجوز دولت این کشور جهت توسعه استخراج نفت و گاز از دریای برنت غیرمجاز است. در پی رد دعوی مزبور در محاکم ملی، خواهان این پرونده در سال ۲۰۲۱ دادخواستی را نزد دادگاه اروپایی علیه نروژ مبنی بر نقض حق حیات و زندگی خانوادگی و مسکن به سبب استخراج نفت از دریای برنت مطرح کرد. در آوریل ۲۰۲۲،

17. Monica Feria-Tinta, "Climate Change Litigation in the European Court of Human Rights: Causation, Imminence and Other Key Underlying Notions," *Europe of Rights & Liberties* 1, no. 3 (2021): 52-53.

۱۸. پرونده‌های مشابهی با نام *Carême v. Verein KlimaSeniorinnen Schweiz and Others v. Switzerland* و *France* در نزد دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح است که می‌تواند در کنار پرونده فوق به احکامی تاریخی تبدیل و بر نوع تفسیر کنوانسیون ذیل ماده ۳۰ آن تأثیر گذارد و رویکرد دیوان به تغییر اقلیم را مشخص نماید. برای مطالعه بیشتر: Helen Keller and Corina Heri, "The Future is Now: Climate Cases Before the ECtHR," *Nordic Journal of Human Rights* 40, no. 1 (2022): 1-22.

19. Greenpeace Nordic Ass'n v. Ministry of Petroleum and Energy (People v Arctic Oil).

نروژ با استدلال اینکه حمله سال ۲۰۲۲ روسیه به اوکراین استخراج بیشتر نفت و گاز را توجیه می‌کند، از دیوان خواست تا قرار رد دعوا را صادر کند، اما خواهان ادعا دارد که جنگ به سیاست‌های سال ۲۰۱۶ این کشور چهره قانونی نمی‌بخشد و تولیدات جدید را برای دهه‌های آینده توجیه نمی‌کند. در حال حاضر دیوان از گزارشگر ویژه حقوق بشر و محیط‌زیست، سازمان خیریه کلاینت ارت (Client Earth)، کمپین اقلیم پدربزرگان و مادر بزرگان نروژی (Norwegian Grandparents' Climate)، شبکه اروپایی نهادهای ملی حقوق بشر، کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان (International Commission of Jurists (ICJ)) و کمیسیون حقوقدانان بین‌المللی نروژ درخواست ارائه نظر کرده است. این پرونده هنوز در دست بررسی است. از آنجایی که دیوان این پرونده را «پرونده تأثیرگذار» (Impact Case) نامیده امکان دارد زودتر از بازه سه‌ساله در خصوص آن تصمیم‌گیری نهایی کند. شایان توجه است که این پرونده نخستین پرونده‌ای است که مستقیماً به استخراج نفت در سایه بحران اقلیمی مربوط می‌شود.

۲-۲-۲- دادگاه آمریکایی حقوق بشر

در سال ۲۰۱۷، دیوان آمریکایی نظر مشورتی شماره ۲۳ در خصوص محیط‌زیست و حقوق بشر را صادر کرد.^{۲۰} اهمیت اصلی این نظر در رابطه با مفهوم صلاحیت در زمینه اعمال یک معاهده حقوق بشری این است که امکان طرح ادعاهای متقاطع^{۲۱} حقوق بشری را در شرایط موسع‌تری از اوضاع و احوال قابل استماع ذیل نظام بین‌آمریکایی تا به امروز فراهم می‌کند.

دیوان در این نظریه مقرر داشت که افراد به سبب اعمال فراسرزمینی دولت یا به سبب اثرات خارج از قلمروش، تحت صلاحیت آن دولت درمی‌آیند اگر دولت مربوطه بر آن افراد اعمال اقتدار می‌کند یا وقتی آن شخص تحت کنترل مؤثر دولت مزبور است (بند ۸۱).

این نظر مشخص می‌کند که در اصل، نظام بین‌آمریکایی دعاوی فرامرزی حقوق بشری در رابطه با دیگر انواع رفتارها از جمله آلودگی فرامرزی و خسارت اکولوژیکی را مجاز می‌شمارد. نه تنها این نظام دعاوی مربوط به خسارات وارده توسط عوامل دولت را محدود نمی‌کند، بلکه مقرر می‌دارد که صلاحیت دیوان به فعالیت‌هایی که دولت بر آنها

20. Inter-American Court of Human Rights, "The Environment and Human Rights," (Advisory Opinion OC-23/18 (ser. A) No. 23 (15 November 2017).

۲۱. ادعاهای متقاطع (Diagonal Claims) ادعاهای فرامرزی محسوب می‌شوند که توسط افراد علیه دولت‌هایی به‌جز دولت متبوع مطرح می‌شوند.

نقش رویکرد حقوق بشر محور در تسهیل دادخواهی تغییر اقلیم... / امینی، نساری و دریادل ۲۵۹

کنترل مؤثر دارند، اعمال می‌گردد. البته دیوان در نظر خود تأکید نموده که تعهدات فرامرزی جنبه استثنایی دارند و باید به‌طور مضیق تفسیر شوند (بندهای ۸۱ و ۱۰۴(د)).

۲-۳- دادگاه‌های داخلی

در حوزه محاکم داخلی، پرونده بنیاد ارجندا علیه دولت هلند^{۲۲} نخستین قضیه در جهان است که در آن شهروندان یک کشور اثبات کردند که حکومتشان وظیفه قانونی پیشگیری از تغییرات اقلیمی را بر عهده دارد. در سال ۲۰۱۵، دادگاه بخش لاهه مقرر داشت که هلند باید میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای خود را تا پایان سال ۲۰۲۰ (در مقایسه با سطوح انتشار سال ۱۹۹۰) تا حداقل ۲۵٪ کاهش دهد. توضیح آنکه دولت در این پرونده مدعی بود که ماده ۲ و ۸ کنوانسیون اروپایی تعهدات دولت‌ها را به حفاظت در مقابل خطرات تغییر اقلیم شامل نمی‌شود. دادگاه به کنوانسیون تغییر اقلیم اشاره کرد تا بیان دارد که با اینکه این مسئله دارای ماهیتی جهانی است، اما هر دولت از جمله هلند در جایگاه طرف کنوانسیون باید نقش خود را به‌صورت انفرادی ایفا کند. این ضابطه مسبوق به این مفهوم نوظهور بود که در پرتو تعهدات تغییر اقلیم و حقوق بشر و همچنین در پرتو اصل مثبت منع آسیب که حاوی تعهد دولت‌ها به جلوگیری از فعالیت‌های واقع در سرزمین خود با قابلیت ایراد زیان زیست‌محیطی فرامرزی است (بند ۳۰۹، ۴)، طرف‌های کنوانسیون باید سهم منصفانه خود را نسبت به کاهش انتشار جهانی ادا کنند (بند ۵۰۷، ۵). نکته جالب اینکه این پرونده سرآغاز حرکتی عظیم در خصوص ارجاع قضایای دادخواهی اقلیمی به دادگاه‌های ملی و منطقه‌ای بوده است.^{۲۳} این تصمیم توسط دولت مورد تجدیدنظرخواهی قرار گرفت. دادگاه تجدیدنظر در سال ۲۰۱۸ این رأی را تأیید نمود که مجدداً در دیوان عالی نسبت به رأی فرجام‌خواهی شد و در سال ۲۰۲۰ به نفع بنیاد ارجندا حکم صادر و بیان شد که تلاش دولت برای کاهش انتشار تا ۱۷٪ برای تحقق مشارکت هلند در هدف جهانی ۲ درجه سانتی‌گراد کافی نیست و باید اقدامات سخت‌گیرانه‌تری را در این زمینه انجام دهد.

در سال ۲۰۱۷، فرانسه قانون مربوط به تعهد به مراقبت را وضع کرد که شرکت‌های

22. Urgenda Foundation (on behalf of 886 individuals) v The State of the Netherlands (Ministry of Infrastructure and the Environment), HA ZA 13-1396, C/09/456689, ECLI:NL:RBDHA:2015:7145, ILDC 2456 (NL 2015), 24th June 2015, Netherlands; The Hague; District Court.

23. Roger Cox, "A Climate Change Litigation Precedent: Urgenda Foundation v. the State of the Netherlands," *Journal of Energy & Natural Resources Law* 34, no. 2 (2016): 143-144.

فرانسوی را به شناسایی و پیشگیری از خطرات پیش روی حقوق بشر و محیط زیست که به واسطه اقدامات تجاری شان ایجاد می شود، ملزم می کند. در سال ۲۰۱۹، شش سَمَن از جمله دوستان زمین دعوایی را علیه شرکت توتال آغاز کردند با این ادعا که طرح مراقبت مقتضی توتال به طور مناسب چرخه حیاتی بالقوه گازهای گلخانه ای ناشی از پروژه را مدنظر قرار نداده است. در ژانویه ۲۰۲۰، دادگاه مدنی شهر نانت صلاحیت خود را برای استماع این ادعا بر اساس اینکه صالح به رسیدگی به مسائل مربوط به مدیریت داخلی شرکت در رابطه با طرح مراقبت نیست، رد کرد.

البته، در پرونده ای دیگر که علیه شرکت توتال در فوریه ۲۰۲۱ طبق همان قانون مطرح شد، دادگاه مدنی نانت دیدگاه مغایری را اتخاذ کرد و رأی به صلاحیت خود برای رسیدگی به ادعای مرتبط به تغییر اقلیم داد. در این پرونده خواهان ها از دادگاه خواستند که به توتال دستور دهد که از خسارت به محیط زیست جلوگیری کند. دادگاه خاطر نشان کرد که اگرچه طرح مراقبت، عملیات انجام شده توسط شرکت را تحت تأثیر قرار می دهد، هدف آن قانون و خطراتی که قرار است از آن جلوگیری کند، ورای این مسائل است. اگرچه دادگاه در خصوص مسائل ماهوی ادعا علیه توتال تصمیم گیری نکرد، این حقیقت که صلاحیتش را برای ورود به ماهیت تأیید کرد، گام بزرگی است که احتمالاً طرح دعوای جدید را علیه شرکت های فرانسوی مرتبط با اثر زیست محیطی فعالیت هایشان در داخل یا خارج فرانسه ترغیب می کند.

پرونده سازمان دوستان زمین هلند و دیگران علیه شرکت نفتی سلطنتی شل هلند،^{۲۴} که توسط دادگاه بخش لاهه در ماه می ۲۰۲۱ تصمیم گیری شد، دعوای دیگری است که توسط ۷ سَمَن از جمله دوستان جوان زمین و ۱۷،۳۷۹ شخص علیه شل که جایگاهی حائز اهمیت در تجارت هلند دارد، مطرح شد. این پرونده این سؤال را مطرح ساخت که آیا امکان دارد یک شرکت خصوصی تعهد به مراقبت و تعهدات حقوق بشری را از طریق عدم اتخاذ اقدام مناسب جهت مقابله با انتشار گازهای گلخانه ای نقض کند یا خیر؟ در نهایت، دادگاه هلند به شرکت نفتی شل دستور داد سطح انتشارش را کاهش و با هدف مقرر در موافقت نامه پاریس همسان سازد. همچنین اعلام شد که طبق قانون مسئولیت مدنی هلند، شل متعهد به پیشگیری از خطرات جدی ناشی از تولید گازهای گلخانه ای است (بند ۱۱. ۴.۴).

24. Milieudefensie et al. v. Royal Dutch Shell pl, 2019.

نقش رویکرد حقوق بشر محور در تسهیل دادخواهی تغییر اقلیم... / امینی، نساری و دریادل ۲۶۱

در قضیه رسیدگی به اقدامات تولیدکنندگان عمده کربن (Carbon Majors Inquiry) در فیلیپین، کمیسیون ملّی حقوق بشر در دسامبر ۲۰۱۹ بدین نتیجه رسید که ۴۷ مورد از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان سوخت‌های فسیلی از جمله شرکت نفتی بریتانیا، شورون، آگرونوموبیل، رپسول و شیل نقش آشکاری در تغییر اقلیم با منشأ انسانی ایفا می‌کنند و می‌توان آنها را در قبال نقض حقوق انسانی ناشی از گرمایش زمین پاسخگو کرد.^{۲۵}

در سال ۲۰۲۱ نیز دعوایی در دادگاه‌های برزیل علیه دولت و سازمان محیط‌زیست^{۲۶} این کشور مطرح شد که در پی الزام دولت به اتخاذ اقدام مؤثرتر در زمینه تغییر اقلیم است. شاکیان بر حق بر محیط‌زیست سالم که در قانون اساسی شناسایی شده و نیز حقوق بنیادین نظیر حق حیات، شرافت، سلامت، غذا و مسکن مناسب و به علاوه موافقت‌نامه پاریس و چندین اصل تثبیت‌شده حقوق بین‌الملل محیط‌زیست استناد کرده‌اند.

۳- ارزیابی آرا و چالش‌های پیرامون دادخواهی تغییر اقلیم

میزان پرونده‌های دادخواهی اقلیم علیه دولت‌ها و نیز شرکت‌ها ظاهراً در حال افزایش است. موافقت‌نامه پاریس که از سال ۲۰۱۶ لازم‌الاجرا شده است توانسته زمینه‌ای را برای دادخواهی اقلیم فراهم کند، هرچند اثربخشی آن به انتخاب، طراحی و اجرای اقدامات ماهوی اتخاذشده در سطح ملی بستگی دارد.^{۲۷} در دوران پساپاریس، کشورها ملزم به اتخاذ اقدامات داخلی برای کاهش انتشار از طریق برنامه‌های مشارکتی ملی هستند و باید تلاش‌های آینده‌نگرانه‌ای را در زمینه تعهدات مندرج در موافقت‌نامه در پیش بگیرند و در این راه محاکم نقش مهمی در پاسخگودن دولت‌ها و اینکه تعهدات ذی‌ربط دارای اثر عملی و اجرایی هستند، بر عهده دارند.^{۲۸} در بیشتر پرونده‌های مطرح در فوق خواهان‌ها یا پذیرش تعهدات دولت‌ها برای کاهش انتشار را برای دستیابی به هدف دو درجه در موافقت‌نامه پاریس کافی ندانسته یا اینکه در لوایح خود اقدامات در راستای تعهدات کاهش انتشار و انطباق را منطبق با برنامه‌های

25. Isabella Kaminski, "Carbon Majors Can Be Held Liable for Human Rights Violations, Philippines Commission Rules" *Climate Liability News* (9 December 2019). <https://chinadialogue.net/en/climate/philippines-inquiry-finds-carbon-majors-responsible-for-human-rights-breaches/>.

26. Laboratório do Observatório do Clima v. Minister of Environment and Brazil, 2021, Ação Civil Pública Nº 1027282-96.2021.4.01.3200, Pending.

27. Lennart Wegener, "Can The Paris Agreement Help Climate Change Litigation and Vice Versa?," *Transnational Environmental Law* 9, no.1 (2020): 18.

28. Kim Bower, "The Unsexy Future of Climate Change Litigation," *Journal of Environmental Law* 30, no. 3 (2018): 10-11.

مشارکتی ذیل موافقت‌نامه پاریس نمی‌دانستند و مدعی عدم رعایت این تعهدات بودند.^{۲۹} البته در تمامی پرونده‌های از این دست، فقدان آینده‌نگری سیاسی اثر حقوقی مهمی دارد و اینکه در نهایت باید اقدامات مؤثرتری در زمینه کاهش تغییر اقلیم اجرایی شود.^{۳۰}

از بررسی دعاوی فوق به دست آمد که دادخواهی‌های تغییر اقلیم با چالش‌هایی هستند. نخستین چالش، بحث رابطه سببیت و نیاز به ایجاد رابطه بین فعل زیان‌بار شرکت دولت انتشاردهنده و عدم اجرای سیاست‌های انطباقی توسط دولت و اثرات ناشی از آن از یک سو و پیامدهای متعاقب آن بر حقوق بشر از سوی دیگر است. چالش دوم، مسئله صلاحیت فراسرزمینی است که به پاسخگو نگه‌داشتن افراد، شرکت‌ها و دولت‌ها در قبال فعالیت‌های زیان‌بار آسیب‌زا به دولت‌های دیگر و رای مرزهای سرزمینی مربوط می‌شود. البته با وجود تمام این چالش‌ها و موانع، پرونده‌های فوق شاهدهی بر پذیرش دعاوی حقوق بشر محور در میان قضات و نهادهای شبه قضایی است. از این رو، بسیاری از پژوهشگران^{۳۱} بر این عقیده‌اند که طرح دعاوی تغییر اقلیم در پوشش حقوق بشر دستیابی به موفقیت را بیشتر و امکان استفاده از ظرفیت‌های سایر مجاری حقوقی را تقویت می‌کند.^{۳۲}

در ذیل برخی از چالش‌های پیش رو که در پرونده‌های دادخواهی مربوط به تغییر اقلیم وجود دارد و در قضایای فوق مطرح شده، ارائه و به استدلال‌هایی جهت غلبه بر این چالش‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱- تبیین مسئولیت و محدوده اجرای تعهدات حقوق بشری

دولت‌ها متعهدند حقوق بشر را مورد احترام، حمایت و ایفا قرار دهند؛ اما آیا می‌توان تعهد به

29 *Urgenda Foundation (on behalf of 886 individuals) v The State of the Netherlands, Daniel Billy and others v Australia (Torres Strait Islanders Petition), Duarte Agostinho and Others v. Portugal and 32 Other States, Greenpeace Nordic Ass'n v. Ministry of Petroleum and Energy (People v Arctic Oil)*.

30. Wegener, "Can The Paris Agreement," 5.

31. Natalie Bridgeman, "Human Rights Litigation Under The ATCA as a Proxy for Environmental Claims," *Yale Human Rights & Development Law Journal* 6, no. 1 (2003); Romina Picolotti and Jorge Daniel Taillant, *Linking Human Rights and The Environment* (University of Arizona Press, 2010).

32. Joanna Setzer and Lisa Vanhala, "Climate Change Litigation: A Review of Research on Courts and Litigants in Climate Governance," *Wiley Interdisciplinary Reviews: Climate Change* 10, no. 3 (2019): 10-11.

نقش رویکرد حقوق بشر محور در تسهیل دادخواهی تغییر اقلیم... / امینی، نساری و دریادل ۲۶۳

احترام، حمایت و ایفای حقوق بشر را که کارکرد درون سرزمینی دارند به انتشار گازهای گلخانه‌ای که ذاتاً تأثیر فرامرزی دارد و از حیطة صلاحیت سرزمینی دولت‌ها خارج است، تعمیم داد؟ زمینه کلی تعهدات حقوق بشری را می‌توان تحت عنوان تعارض بین دو گزاره تعریف کرد: نخست، اصلی است که طبق آن دولتی که متعهد به احترام به حقوق بشر شده نباید قادر باشد به استفاده از مرزهای ملی برای فرار از مسئولیت برای نقض حقوق بشری متعهد شده شود. چنانکه کمیته حقوق بشر در قضیه سرژیو لویز علیه دولت اروگوئه^{۳۳} بیان داشته است که «تفسیر مسئولیت ذیل ماده ۲ میثاق به نحوی که به دولتی اجازه نقض میثاق را در سرزمین دولت دیگر دهد، خلاف وجدان است، درحالی که چنین دولتی مرتکب چنان نقض تعهدی در سرزمین خود نمی‌شد». این اصل تلویحاً بیان می‌دارد که سازوکارهای پاسخگویی حقوق بشر باید در جایی که رابطه مستقیم بین عمل قابل انتساب به یک دولت و نقض حقوق بشر افراد وجود دارد، واکنش نشان دهند؛ اگرچه فرد مورد آسیب در خارج از مرزهای آن کشور واقع شده و نقض حقوق بشر نیز خارج از قلمرو کشور مربوطه است. طبق گزاره دوم که در تعارض با گزاره اول است، تمامی معاهدات مهم بین‌المللی حقوق بشری بین یک دولت و افراد تحت صلاحیت سرزمینی‌اش قابل اعمال است و در نتیجه هر دولت برای تثبیت و تضمین شرایط یک زندگی انسانی آبرومندانه برای افراد واقع در مرزهایش مسئول است. نمی‌توان از دولت‌ها به سبب ماهیت و محدودیت‌های واقع بر قلمروشان انتظار داشت که نسبت به افراد واقع در سرزمینی دیگر به نحو یکسان عمل کنند.^{۳۴} در هر حال در فضای واقعی، این دو اصل در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند و امکان اعمال یکی از این دو در هر مورد است.

۳-۲- صلاحیت و مبانی حقوقی توجیه‌کننده آن

دادگاه اروپایی در قضیه بانکوویچ علیه دولت بلژیک و دیگران (Banković v. Belgium and others) مقرر داشت که صلاحیت را در ماده ۱ کنوانسیون اروپایی باید در معنای معمول تفسیر کرد و اینکه معنای معمول صلاحیت در حقوق بین‌الملل ابتدا سرزمینی است (بندهای ۵۹-۶۱). دیوان همچنین یادآور شد که استثنایی را نیز شناسایی کرده که طبق آن دولت بر سرزمین خارجی نظیر قضیه ترکیه در قبرس شمالی اعمال کنترل مؤثر کند (بندهای ۶۸-۷۱).

دادگاه آمریکایی نیز در رأی مشورتی خود در زمینه محیط‌زیست و حقوق بشر اظهار

33. Human Rights Committee, "Sergio Euben Lopez Burgos v. Uruguay," Communication No. R.12/52, U.N. Doc Supp. No. 40 (A/36/40) ('Lopez-Burgos v. Uruguay'), (1981): 176.

34. The ECtHR recognized 'effective control' of territory as a basis for jurisdiction under Article 1 of the ECHR in *Loizidou v. Turkey*, Application No. 15318/89 (18 December 1996): para. 52.

داشت «در وضعیت‌های نقض حقوق بشر ناشی از آثار فراسرزیمینی اقدامات داخلی، زمانی صلاحیت دولت منشأ آثار فراسرزیمینی به رسمیت شناخته می‌شود که آن دولت بر اقدامات منجر به ورود خسارت در قلمرو دولت خارجی و ناقض حقوق بشر کنترل داشته باشد (بند ۱۰۴)».

همچنین کمیته حقوق بشر در بند ۲۲ تفسیر کلی شماره ۳۶ در خصوص ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی راجع به حق حیات اظهار داشت: «طرفین میثاق باید اقدامات مقتضی را در حوزه قانونگذاری و سایر موارد اتخاذ کنند تا اطمینان حاصل شود که تمام اقداماتی که به طور کلی یا بخشی از آن در قلمرو یا مناطق تحت صلاحیت آنها انجام می‌شود، اما اثر مستقیم و پیش‌بینی‌پذیر بر حق حیات افراد خارج از قلمرو آنها دارد، از جمله اقدامات شرکت‌های واقع در قلمرو آنها یا تحت صلاحیتشان مطابق با ماده ۶ میثاق می‌باشند».

کمیته حقوق بشر برای تعیین صلاحیت دولت ناشی از آثار فراسرزیمینی اقدامات داخلی معیار کنترل مؤثر بر بهره‌مندی افراد از حقوق بشر را معرفی می‌کند و بیان می‌دارد: «افراد تحت صلاحیت دولت‌ها افرادی هستند که دولت‌ها بر بهره‌مندی آنها از حق بر حیات کنترل مؤثر دارند».^{۳۵} معیار سومی برای پذیرش صلاحیت دولت ناشی از آثار فراسرزیمینی اقدامات داخلی به رسمیت شناخته شده است که مبتنی بر کنترل بر وضعیت نقض حقوق بشر است.

لازم به ذکر است که سه معیار کنترل مؤثر بر اقدامات ناقض حقوق بشر و بهره‌مندی افراد از حقوق بشر و وضعیت نقض حقوق بشر در ارتباط با یکدیگر هستند و یک معیار به‌تنهایی نمی‌تواند صلاحیت فراسرزیمینی دولت را توجیه کند، زیرا معیار نخست وقتی قابل اعمال است که اقدامات ناقض حقوق بشر بر بهره‌مندی افراد از این حقوق یا وضعیت نقضشان تأثیر داشته باشد و بدون جمع دو معیار صلاحیت فراسرزیمینی توجیه ندارد. مضافاً اینکه معمولاً بین معیار دوم و سوم ملازمه وجود دارد؛ یعنی وقتی که فعل یا ترک فعل یک دولت آثار قابل توجهی بر رعایت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در خارج از قلمروش دارد، این فعل یا ترک فعل بر وضعیت نقض حقوق بشر و بهره‌مندی افراد از حقوق بشر تأثیر می‌نهد. به بیان ساده‌تر، صلاحیت فراسرزیمینی با اعمال معیار کنترل مؤثر وقتی قابل اجراست که بر اقدامات ناقض حقوق بشر و بر بهره‌مندی افراد از

35. Human Rights Committee, "General comment No. 36 on article 6 of the International Covenant on Civil and Political Rights: on the right to life," (2018): para. 63.

نقش رویکرد حقوق بشر محور در تسهیل دادخواهی تغییر اقلیم... / امینی، نساری و دریادل ۲۶۵

حقوق بشر یا بر وضعیت نقض حقوق بشر مؤثر باشد.

بر اساس اصل مراقبت مقتضی نیز که در پذیرش صلاحیت دولت جهت تعیین تعهدات تعهدات حقوق بشری ناشی از آثار فراسرزمینی اقدامات داخلی نقش مهمی دارد، دولت‌ها دولت‌ها متعهدند از ورود خسارت قابل توجه به خارج از قلمرو خود پیشگیری کنند. دیوان بین‌المللی دادگستری در توضیح اصل یادشده بیان می‌کند دولت‌ها نباید اجازه دهند در قلمرو آنها اقداماتی انجام شود که به حقوق سایر ملل لطمه وارد کند.^{۳۶} در رأی تریل اسملتر بیان شده است که هیچ دولتی حق ندارد از قلمرو خود به گونه‌ای استفاده کند یا اجازه دهد از آن به گونه‌ای استفاده شود که به قلمرو سایر دولت‌ها لطمه وارد سازد.^{۳۷}

دادگاه آمریکایی در رأی مشورتی خود تعهدات حقوق بشری دولت‌ها ناشی از آثار فراسرزمینی اقدامات داخلی را بر اصل مراقبت مقتضی مبتنی کرده است که به موجب آن تعهد به پیشگیری از خسارت فرامرزی زیست‌محیطی از تعهدات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است و صلاحیت دولت علاوه بر اقدامات فراسرزمینی ممکن است ناشی از آثار فراسرزمینی اقدامات داخلی باشد. هنگامی که خسارت فرامرزی ایجاد شود و حقوق بشر را تحت تأثیر قرار دهد افرادی که حقوقشان نقض شده است مشمول صلاحیت دولتی که اقدامات در قلمرو آن انجام شده قرار می‌گیرند.^{۳۸}

کمیته حقوق بشر در تفسیر کلی شماره ۶ در مورد ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی راجع به حق حیات اظهار داشت: «طرفین میثاق باید تدابیر مقتضی را اتخاذ کنند تا اطمینان حاصل شود که تمام اقداماتی که در قلمرو تحت صلاحیت آنها انجام می‌شود، اما اثر مستقیم و پیش‌بینی‌پذیر بر حق حیات افراد خارج از قلمرو آنها دارد مطابق با ماده ۶ میثاق باشد». در رژیم تغییر اقلیم، تعداد زیادی از کشورها در حال پذیرش مقررات الزامی مراقبت مقتضی هستند که شرکت‌ها را ملزم به شناسایی اثرات منفی رویکردهای تجاری خود و توسعه طرح‌هایی برای رویارویی با چنین اثراتی می‌کنند. مقررات الزامی مراقبت مقتضی می‌توانند مستقیماً یا به‌طور غیرمستقیم شرکت‌ها را ملزم به اتخاذ اقداماتی جهت شناسایی، پیشگیری و

36. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgment, I.C.J. Reports 2010 (I), pp. 55-56, para. 101.

37. Arthur Kuhn, "The Trail Smelter Arbitration—United States and Canada," *American Journal of International Law* 32, no. 4 (1938): 785-788.

38. Maria Banda, "Inter-American Court of Human Rights' Advisory Opinion on The Environment and Human Rights," *American Society of International Law: Insights* 22, no. 6 (2018): 1-6.

کاهش خطرات اقلیمی کنند. در این رابطه کمیسیون اروپا پیشنهادی را در خصوص دستورالعمل مراقبت مقتضی پایداری شرکت‌ها (Corporate Sustainability Due Diligence) مطرح کرد که شرکت‌های بزرگ را ملزم به توسعه برنامه‌ای برای هماهنگی مدل و راهبرد تجاری‌شان با هدف ۱/۵ درجه سانتی‌گراد مقرر در موافقت‌نامه پاریس می‌کند. اخیراً دادخواهی اقلیمی به‌طور خاص بیشتر بر تعهدات مراقبت مقتضی شرکت اتکا کرده است.^{۳۹} این مفهوم را می‌توان در اصول راهبردی ملل متحد در خصوص تجارت و حقوق بشر و چندین سند سازمان همکاری و توسعه اقتصادی از جمله دستورالعمل‌های مربوط به شرکت‌های چندملیتی جست‌وجو کرد که در کل، سیستم شبه حقوقی را در خصوص تعهدات حقوق بشری متمایز شرکت‌ها که باید مورد رعایت و اجرای این نهادها قرار گیرد، ارائه می‌کنند. در طول دهه گذشته، حقوق بشر و مراقبت مقتضی به‌طور گسترده در رویه‌های اختیاری شرکت‌ها، استانداردهای صنعتی و قوانین ملی اتخاذ شده است و بنابراین، توجه روزافزون به آن در دادخواهی اقلیمی چندان غیرمنتظره نیست.^{۴۰}

۳-۳- اثبات عناصر مسئولیت

یکی از چالش‌های موازین حقوقی مقابله با تغییر اقلیم ضعف نظام مسئولیت نسبت به جبران خسارت‌های ناشی از آن است. برخی کشورها از تغییر اقلیم دچار خسارت‌های فراوان شده یا خواهند شد و نظام حقوق بین‌الملل و معاهدات مربوطه تاکنون نتوانسته است یک نظام جامع مسئولیت مدنی در این خصوص طراحی و کشورهای توسعه‌یافته عامل تغییر اقلیم را ملزم به جبران خسارت‌های وارده نماید.

در دعاوی مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال تغییر اقلیم، خواهان بار ارائه و اثبات دلیل را به دوش می‌کشد که نوعاً مستلزم اثبات رابطه سببیت، شناسایی مسئول و اثبات ورود خسارت است. برخی اذعان نموده‌اند که به دلیل اینکه اثبات رابطه سببیت بین فعل و ترک فعل از یک طرف و خسارت محیط‌زیستی از طرف دیگر امری مشکل است، امکان ترسیم چنین نظام مسئولیتی در حوزه تغییر اقلیم دشوار است.^{۴۱}

39. European Commission, "Proposal for a Directive of the European Parliament and of The Council on Corporate Sustainability Due Diligence and Amending Directive" (EU) 2019/1937, COM (2022) 71 final, (Brussels, 23.2.2022): 4.

40. Jonathan Bonnitcha, and Robert McCorquodale. "The Concept of Due Diligence in the UN Guiding Principles on Business and Human Rights," *European Journal of International Law* 28, no. 3 (2017): 899-919.

۴۱. سید عباس پورهاسمی، سبحان طیبی، و شیما نادری، «دادخواهی و مسئولیت بین‌المللی: ابزار مقابله با عدم ایفای

نقش رویکرد حقوق بشر محور در تسهیل دادخواهی تغییر اقلیم... / امینی، نساری و دریادل ۲۶۷

در بحث مسئولیت، خسارت نباید خیلی بعید یا خیلی ذهنی (Speculative) باشد. برای تحقق مسئولیت، اصولاً احراز رابطه سببیت میان فعل زیان بار و ضرر لازم است؛ اما همیشه احراز احراز سبب به آسانی ممکن نیست. اجمال در عامل مسئول حادثه میان اشخاص محصور و غیرمحصور و تعدد اسباب طولی و عرضی باعث دشواری در یافتن مسئول حادثه یا نحوه تقسیم تقسیم مسئولیت می شود. ماهیت اشتراکی طولی و عرضی مسئولیت انتشار و زیان های ناشی از تغییر اقلیم مشکلاتی را از باب اثبات وجود آسیب ذیل مواد طرح مسئولیت ایجاد می کند.^{۴۲} طبق این طرح، اثبات اینکه آسیب مربوطه به واسطه عمل متخلفانه بین المللی ایجاد شده عنصر جدایی ناپذیر تعهد دولت (های) مسئول جهت جبران زیان وارده است.^{۴۳} البته وقتی چندین دولت و چند نهاد در آسیب های ناشی از تغییر اقلیم مشارکت دارند، اثبات اینکه اقدامات مشخص هر یک از دول یا نهادها عامل بلا فصل ایجاد زیان است، اگر نه غیرممکن، بلکه دشوار است. به چند دلیل قضایای راجع به تغییر اقلیم مشکلات خاصی در پی دارند. نخست، فاصله منبع انتشار از محل بروز خسارت ممکن است گاهی صدها مایل باشد؛ چنین وضعیتی حتی وقتی که فعالیت های مخرب اقلیمی قابل تشخیص باشند نیز می تواند تردیدهایی را در مورد رابطه علیت ایجاد کند. دوم، آثار مضر گازهای گلخانه ای ممکن است تا سال ها پس از ارتکاب عمل آشکار نشوند.^{۴۴} به علاوه، در مسائل فرامرزی که به خصوص در بحث تغییر اقلیم مطرح است، چندین بازیگر در تشدید اثرات تغییر اقلیم ایفای نقش می کنند.^{۴۵}

به هر حال به سبب موانع سیاسی و چالش های اثبات رابطه سببیت و نیز با توجه به تقسیم

تعهدات در خصوص تغییرات آب و هوایی»، *فصلنامه انسان و محیط زیست* ۱۲، شماره ۳۱ (زمستان ۱۳۹۳): ۷۹.

42. Michael Faure and Andre Nollkaemper. "International Liability as an Instrument to Prevent and Compensate for Climate Change," *Stanford Environmental Law Journal* 26, no. 123 (2007): 124-176.

۴۳. طبق ماده ۳۲ پیش نویس طرح مواد مسئولیت دولت، آسیب به نحوی تعریف شده است که شامل هرگونه خسارتی چه مادی و چه معنوی که به واسطه عمل خطا کارانه بین المللی ارتکاب یافته می شود. البته با نظر بند ۲ ماده ۳۱ سند فوق، در زمینه موسع تر حقوق محیط زیست، مشکلات جدی از لحاظ کمی سازی خسارت های زیست محیطی اقلیمی در حوزه مالی بروز می کند.

۴۴. محمدعلی رضایی آهنگرانی، منصور پورنوری، سید عباس پورهاشمی، و داریوش کریمی، «شاخص های حقوقی تشخیص ذی حق در دعاوی زیست محیطی ایران»، *فصلنامه جامعه شناسی سیاسی ایران* ۳، شماره ۱۲ (بهار ۱۳۹۹): ۲۴۰۹.

45. Rupert Stuart-Smith, Aisha Saad, Friederike Otto, Gaia Lisil, Kristian Lauta, Petra Minnerop, and Thom Wetzler, "Attribution Science and Litigation: Facilitating Effective Legal Arguments and Strategies to Manage Climate Change Damages," Project Report, Oxford Sustainable Law Program, Environmental Change Institute, Smith School of Enterprise and the Environment (Oxford, 2021): 1-17.

مسئولیت بین دولت‌های درگیر تا حدودی طرح ادعای خسارت علیه دولت‌ها بر اساس اصول مسئولیت دولت طبق حقوق بین‌الملل، دشوار به نظر می‌رسد؛ اما شاکیان با طرح ادعای نقض تعهدات حقوق بشری دولت به واسطه تغییر اقلیم روز به روز بر چالش‌های رابطه سببیت در پرونده‌های اقلیمی حق‌محور در حال فائق آمدن هستند. شواهد متقن جهت ایجاد رابطه سببیت قوی بین انتشار در گذشته و آینده، افزایش سطحی و در پی آن، احتمال وقوع حوادث آب و هوایی شدید باعث پیشرفت‌هایی در انتساب مسئولیت اقلیمی شده است و شاکیان را در پرونده‌های تغییر اقلیم، به اثبات سبب اقوی یاری می‌رساند؛^۶ همچنین شناسایی حق بر محیط‌زیست سالم این فایده‌هنجاری را دارد که راهی را برای چیره شدن بر مشکل رابطه سببیت میان شکاف تغییر اقلیم و حقوق بشر باز نماید و تعهدات جمعی به احترام، حمایت و اجرای حق محیط‌زیست می‌تواند یک دولت را در برابر انتشار بیش از اندازه حتی بدون اثبات نقض حقوق بنیادین دیگر مسئول قرار دهد.

۴- نتیجه‌گیری

دادخواهی در هر سطحی دارای پیچیدگی‌های فنی متعددی است؛ اگرچه کوتاهی یک دولت در انجام تعهدات اقلیمی (برای مثال مرتبط با کاهش، انطباق و رویارویی با زیان و خسارات) یا عدم پذیرش تعهداتی متناسب با کاهش دو درجه‌ای یا ایده‌آل یک‌ونیم‌درجه‌ای در موافقت‌نامه پاریس می‌تواند موجبات نقض طیف متنوعی از قواعد حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بشر را فراهم سازد، با این حال ظرفیت راه‌های مختلف دادخواهی را باید سنجد تا مورد مناسب‌تر را در دستورکار قرار داد. رویکرد حقوق بشرمحور برای دادخواهی در قبال موارد عدم رعایت تعهدات یا زیان و خسارات ناشی از تغییر اقلیم نه‌تنها در پر کردن برخی خلأهای موجود در امکان طرح دعوی مؤثر است، بلکه این رویکرد به افراد ذی‌حق این امکان را می‌دهد که برای احقاق حقوق خود مستقیماً ورود کنند.

طرح دعوی علیه کشورهای آلوده‌کننده یا ناقض تعهدات نزد محاکم داخلی و منطقه‌ای و نیز کمیته‌های شبه قضایی ملل متحد که از جمله جنبش‌های مؤثر به‌سوی احیای رویکرد حقوق بشرمحور برای تغییر اقلیم محسوب می‌شوند، در حال توسعه است. با این حال نمی‌توان انکار کرد که دادخواهی بر مبنای حقوق بشر در قبال موضوعات تغییر اقلیم هنوز در آغاز راه است و سازوکارهای قضایی یا شبه‌قضایی اولین

46. Yoshida, and Setzer. "The Trends and Challenges," 19.

تجربیات استنادی و تحلیلی خود را سپری می‌کنند، از این رو رویه‌ها در حال شکل‌گیری هستند. در مطالعه حاضر، ضمن تشریح چگونگی پیوند موازین حقوق بشر و موضوعات تغییر اقلیم، ابعاد فنی مقوله صلاحیت، ماهیت تعهدات حقوق بشری و فرایند احراز مسئولیت به‌مثابه چالش‌های اصلی روند دادخواهی مورد بررسی قرار گرفتند. رویه‌های مورد بررسی به‌خوبی این واقعیت را نشان می‌دهند که نهادهای نظارتی کمیته حقوق بشر، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کمیته حقوق کودک در قبال مطالبات روزافزون فعالان مقابله با تغییر اقلیم بر آمادگی‌های خود می‌افزایند تا به‌صورت جامع‌تری به مباحث تغییر اقلیم و حقوق بشر ورود کنند. به موازات این روند رو به رشد، سازوکارهای گزارشگری تابعه شورای حقوق بشر سازمان ملل به‌ویژه از طریق دو گزارشگر تغییر اقلیم و حقوق بشر و محیط‌زیست و حقوق بشر نیز به شکل‌های مختلف در حال تقویت مبانی استدلالی امکان دادخواهی در قبال موارد زیان‌بار تغییر اقلیم هستند.

طرح دعاوی تغییر اقلیم نزد کمیته‌های شبه قضایی ملل متحد و نیز مراجع منطقه‌ای و ملی به‌طور گسترده‌ای همراهی افکار عمومی را نیز با خود به همراه می‌آورد که این امر در تلاش‌های جهانی برای اتخاذ اقدامات مؤثر در قبال تغییر اقلیم ظرفیت مهم و اثرگذاری محسوب می‌شود. تحولات در حقوق بین‌الملل بشر همراه با مسئولیت بین‌المللی و حقوق محیط‌زیست، چشم‌اندازی امیدوارکننده در تقویت دعاوی تغییر اقلیم را پیش رو قرار می‌دهد که در آینده در ابعاد مختلف رفع نگرانی‌های ناشی از تغییر اقلیم از جمله انتشار گازهای گلخانه‌ای نتایج آن بهتر خود را نشان خواهد داد؛ اما هم‌زمان این پیام را می‌تواند برای کشورهای که حاضر به پذیرش تعهدات نیستند و اقدامات مقابله با تغییر اقلیم را انجام نمی‌دهند به همراه داشته باشد که هرچند تمامی تعهدات مندرج در پاریس از نوع تعهدات به وسیله و رویکرد متعهدسازی آن نیز از پایین به بالا است و سازوکار رعایت و اجرا در موافقت‌نامه پاریس غیرتنبهانه و تشویقی است؛ اما به دلیل پیوند خوردن مقوله تغییر اقلیم با حقوق بشر و اثرات سوء آن بر حقوق انسانی می‌تواند تبعاتی خارج از چهارچوب موافقت‌نامه پاریس به دنبال داشته باشد.

سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

پورهاشمی، سید عباس، سبحان طیبی، و شیما نادری. «دادخواهی و مسئولیت بین‌المللی؛ ابزار مقابله با عدم ایفای تعهدات در خصوص تغییرات آب و هوایی»، فصلنامه انسان و محیط‌زیست ۱۲، شماره ۳۱ (زمستان ۱۳۹۳): ۷۵-۸۶.

خوش‌منش، بهنوش، سید عباس پورهاشمی، محمد سلطانیه، و داوود هرمیداس باوند. «بررسی پیامدهای تغییر اقلیم از دیدگاه حقوق بشر»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست ۱۷، شماره ۴ (دی ۱۳۹۴): ۲۲۳-۲۳۴.

رضایی آهنگرانی، محمدعلی، منصور پورنوری، سید عباس پورهاشمی، و داریوش کریمی. «شاخص‌های حقوقی تشخیص ذی‌حق در دعاوی زیست‌محیطی ایران»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران ۳، شماره ۱۲ (بهار ۱۳۹۵): ۲۳۹۵-۲۴۱۱.

سمیعی، سارا. «تحلیلی بر تغییرات اقلیمی در کره زمین و بحران‌های منابع طبیعی و تنوع زیستی جهان»، چهارمین کنفرانس بین‌المللی بیولوژی و علوم زمین (همدان، ۱۴۰۰): ۱-۱۴.

ب- منابع لاتین:

Banda, Maria. "Inter-American Court of Human Rights' Advisory Opinion on the Environment and Human Rights." *American Society of international Law: Insights* 22, no. 6 (2018): 1-6.

Bonnitcha, Jonathan and Robert McCorquodale. "The Concept of Due Diligence in the UN Guiding Principles on Business and Human Rights." *European Journal of International Law* 28, no. 3 (2017): 899-919.

Bouwer, Kim. "The Unsexy Future of Climate Change Litigation." *Journal of Environmental Law* 30, no. 3 (2018): 1-24.

Bridgeman, Natalie. "Human Rights Litigation Under the ATCA as a Proxy for Environmental Claims." *Yale Human Rights. & Development Law Journal* 6, no. 1 (2003): 1-43.

Committee on the Rights of the Child. "Decision adopted by the Committee on the Rights of the Child under the Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on a communications procedure in respect of Communication No. 108/2019." (2019): 1-15.

Cox, Roger. "A Climate Change Litigation Precedent: Urgenda Foundation v. the State of the Netherlands." *Journal of Energy & Natural Resources Law* 34, no. 2

نقش رویکرد حقوق بشر محور در تسهیل دادخواهی تغییر اقلیم... / امینی، نساری و دریادل ۲۷۱

(2016): 143-163.

European Commission. "Proposal for a Directive of the European Parliament and of The Council on Corporate Sustainability Due Diligence and Amending Directive (EU) 2019/1937." COM (2022) 71 final (Brussels, 23.2.2022): 1-69.

Faure, Michael, and Andre Nollkaemper. "International Liability as an Instrument to Prevent and Compensate for Climate Change." *Stanford Environmental Law Journal* 26, no. 123 (2007): 124-176.

Feria-Tinta, Monica. "Climate Change Litigation in the European Court of Human Rights: Causation, Imminence and Other Key Underlying Notions." *Europe of Rights & Liberties* 1, no. 3 (2021): 52-71.

Human Rights Committee. "General comment No. 36 on article 6 of the International Covenant on Civil and Political Rights: on the right to life." (2018): 1-24.

Human Rights Committee. "Sergio Euben Lopez Burgos v. Uruguay." Communication No. R.12/52, U.N. Doc Supp. no. 40 (A/36/40) ('Lopez-Burgos v. Uruguay'), (1981): 176.

Human Rights Council. "Resolution 48/14: Mandate of the Special Rapporteur on the promotion and protection of human rights in the context of climate change." UN Doc. A/HRC/48/L.27* (4 Oct. 2021): 1-5.

Inter-American Court of Human Rights. "The Environment and Human Rights." (Advisory Opinion OC-23/18, (ser. A) no. 23 (15 November 2017): 4-91.

IPCC. "Climate Change 2013: The Physical Science Basis." Contribution of Working Group I to the Fifth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change 1535 (2013): 3-85.

Kaminski, Isabella. "Carbon Majors can be Held Liable for Human Rights Violations, Philippines Commission Rules." *Climate Liability News* (9 December 2019). <https://chinadialogue.net/en/climate/philippines-inquiry-finds-carbon-majors-responsible-for-human-rights-breaches/>.

Keller, Helen and Corina Heri. "The Future is Now: Climate Cases Before the ECtHR." *Nordic Journal of Human Rights* 40, no. 1 (2022): 1-22.

Knox, John. "Framework Principles on Human Rights and the Environment." UN Human Rights Special Procedures: Special Rapportuer, Independent Experts & Working Groups. (Geneva, 2018): 1-21.

Kuhn, Arthur. "The Trail Smelter Arbitration—United States and Canada." *American Journal of International Law* 32, no. 4 (1938): 785-788.

Liston, Gerry. "Enhancing the Efficacy of Climate Change Litigation: How to Resolve the 'Fair Share Question' in the Context of International Human Rights Law." *Cambridge International Law Journal* 9, no. 2 (2020): 241-263

- Peel, Jacqueline, and Hari Osofsky. "A Rights Turn in Climate Change Litigation?." *Transnational Environmental Law* 7, no. 1 (2018): 37-67
- Peel, Jacqueline, and Hari Osofsky. "Climate Change Litigation." *Annual Review of Law and Social Science* 16, no. 1 (2020): 21-38.
- Setzer, Romina, and Jorge Daniel Taillant. *Linking human rights and the environment* (University of Arizona Press, 2010): 264.
- Setzer, Joana, and Lisa Vanhala. "Climate Change Litigation: A Review of Research on Courts and Litigants in Climate Governance." *Wiley Interdisciplinary Reviews: Climate Change* 10, no. 3 (2019): 1-19.
- Strauss, Andrew. "Climate Change Litigation: Opening the Door to the International Court of Justice." in *Adjudicating Climate Change*, Chapter 15 (Cambridge University Press, 2009).
- Stuart-Smith, Rupert, Aisha Saad, Friederike Otto, Gaia Lisil, Kristian Lauta, Petra Minnerop, and Thom Wetzer. "Attribution Science and Litigation: Facilitating Effective Legal Arguments and Strategies to Manage Climate Change Damages." Project Report, Oxford Sustainable Law Program, Environmental Change Institute, Smith School of Enterprise and the Environment, (Oxford, 2021): 1-17.
- Rimmer, Matthew. "The Torres Strait Eight: Climate Litigation, Biodiversity, Human Rights, and Indigenous Intellectual Property." in *Access and Benefit Sharing of Genetic Resources, Information and Traditional Knowledge*, edited by Charles Lawson, Michelle Rourke, and Frances Humphries, 259-287. Adbingdon (Oxon) and New York, 2022.
- Tang Ke, and Otto Spijkers. "The Human Right to a Clean, Healthy and Sustainable Environment." *Chinese Journal of Environmental Law* 6, no. 1 (2022): 87-107.
- UNOHCHR. "Report on the Relationship between Climate Change and Human Rights." A/74/161 (2019): 1-32.
- Wegener, Lennart. "Can The Paris Agreement Help Climate Change Litigation and Vice Versa?." *Transnational Environmental Law* 9, no. 1 (2020): 17-36.
- Yoshida, Keina, and Joana Setzer. "The Trends and Challenges of Climate Change Litigation and Human Rights." *European Human Rights Law Review* 2020, no. 2 (2020): 140-152.